

نکته:

درباره «لعب با آلات قمار بلا راهنه» نکاتی را باید از یکدیگر متمایز دانست:

الف) در روایات عنوانی که قابل تطابق با آلات قمار باشد، وجود ندارد و تنها مصادیقی مطرح است که ممکن است عنوان «آلات قمار» را بتوان از آن اصطیاد کرد. این مصادیق به طور مشخص «نرد، شطرنج (شاهین)، اربعه عشر، لعبه الامیر، سدّر، کوبه، کعبتین الموشومتین، لعبه الشیبب، لعبه الثلاث» هستند. البته در کنار آنها از لعب با جوز و البیض هم یاد شده است که روشن است آلات قمار نیستند. (اینکه آیا می‌توان از این موارد عنوانی را تحت نام «آلت قمار» به عنوان موضوع حکم شرعی اخذ کرد (به اینکه ملاک در حکم، صدق این عنوان باشد) محل تردید است. چراکه چه بسا این مصادیق چون به طور معمول مورد قمار واقع می‌شده اند (انصراف به فرد شایع) تحریم شده اند و یا حتی به صورت بالذات و لعب با آنها حرام باشد)

ب) امکان اینکه این اسامی به طور مطلق مورد نهی نباشند و نهی از «لعب با آنها» منصرف به صورتی باشد که راهنه موجود است، به طور جدی مطرح است. و چون انصراف را ما «تمسک به قرینه حالیه برای استعمال لفظ در بعض افراد و یا انطباق آن بر بعض افراد (که بنابر فرض استعمال، مجاز حاصل می‌شود و بنابر فرض انطباق، استعمال حقیقی است)» می‌دانیم، به صرف «احتمال قرینه» نمی‌توان دست از اطلاعات برداشت.

ج) اما با توجه به روایات بسیاری که این بازی‌ها را به عنوان مصداق برای قمار و میسر معرفی کرده‌اند (روایت های ۸، ۱۱، ۲۹، ۲۵، ۳۶) و در مفهوم قمار و میسر «راهنه» دخیل است، می‌توان از این قرینه لفظیه بهره برد و حکم را در مورد این موارد مخصوص به صورتی دانست که در «لعب با این امور» راهنه وجود داشته باشد. (به سبب اینکه در صدق قمار بر این امور، تلبس به مبدء دخیل است و صدق حقیقی مشتق، متوقف بر تلبس فعلی به مبدء است)

د) اما دو روایت از چنین قرینه‌ای خالی است و شخصاً این آلات را در فرض عدم راهنه مورد اشاره قرار داده است:

یک) روایت علی ابن ابراهیم که مرحوم شیخ آن را مورد اشاره قرار داده است:

«علی بن ابراهیم فی (تفسیره) عن ابي الجارود ، عن ابي جعفر (علیه السلام) فی قوله تعالی
إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ قَالَ: أَمَا
الخمير: فكل مسكر من الشراب - إلى أن قال: - وأما الميسر: فالنرد والشطرنج، وكل قمار ميسر،
وأما الانصاب: فالأوثان التي كانت تعبد بها المشركون، وأما الأزلام: فالأقداح التي كانت تستقسم





توضیح:

بها المشركون من العرب في الجاهلية، كل هذا يبيعه وشراؤه والانتفاع بشيء من هذا حرام من الله محرم، وهو رجس من عمل الشيطان، وقرن الله الخمر والميسر مع الأوثان.»^۱

۱. روایت حکم خرید و فروش نرد و شطرنج را مطرح می‌کند و روشن است که در وقت خرید و فروش این دو، بدون لعب و مراهنه هستند (اگرچه صدر روایت که میسر را همان نرد و شطرنج برمی‌شمارد، منطبق بر «فرض مع المراهنه» است). پس صدق میسر (در ذیل روایت) بر آنها متوقف بر تلبس آنها به مبدء است ولی این مبدء فعلیت قمار نیست بلکه «آلیت قمار» است.
۲. اما حرمت بیع و شراء، ملازمه ای با حرمت لعب مطلق ندارد. چراکه حرمت بیع و شراء به سبب عدم منافع محلله غالب است و روشن است که آلات قمار در آن روزگار منفعت غالبه‌شان قمار است و سایر منافعشان نادر است و لذا به این جهت بیع و شراء آنها تحریم شده است. (توجه شود که انتفاع مورد اشاره در روایت ظاهراً به معنای منافع حاصل از قمار است)
۳. و همچنین روایت ضعیف السند است.
۴. پس اگر چه روایت خرید و فروش این دو را در حال تلبس به مبدء (آلیت قمار) تحریم کرده است ولی تحریم بیع و شراء آلات قمار، ملازمه ای با تحریم لعب بلامراهنه ندارد.

دو) مرسله صدوق^۲:

«وَسُئِلَ الصَّادِقُ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ قَالَ الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنْجُ وَ قَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ وَ النَّرْدُ أَشَدُّ مِنَ الشُّطْرُنْجِ فَأَمَّا الشُّطْرُنْجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهَا كُفْرٌ وَ اللَّعِبَ بِهَا شِرْكٌ وَ تَعْلِيمَهَا كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ وَ السَّلَامَ عَلَى اللَّهِ بِهَا مَعْصِيَةٌ وَ مُقَلَّبَهَا كَمُقَلَّبِ لَحْمِ الْخَنْزِيرِ وَ النَّاطِرِ إِلَيْهَا كَالنَّاطِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ وَ اللَّاعِبِ بِالنَّردِ قِمَاراً مِثْلَهُ مِثْلُ مَنْ يَأْكُلُ لَحْمَ الْخَنْزِيرِ وَ مِثْلَ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْ غَيْرِ قِمَارٍ مِثْلُ مَنْ يَضَعُ يَدَهُ فِي لَحْمِ الْخَنْزِيرِ أَوْ فِي دَمِهِ وَ لَا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِيمِ وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ كُلُّ ذَلِكَ وَ أَشْبَاهُهُ قِمَارٌ حَتَّى لَعِبُ الصَّبِيَّانِ بِالْجَوْزِ هُوَ

۱. وسائل الشيعية ط- آل البيت، ج ۱۷، ص ۳۲۱

۲. در رابطه با مرسله صدوق در درسنامه سال اول صفحه ۳۰۲ سخن گفتیم.

الْقَمَارُ وَ إِيَّاكَ وَ الضَّرْبَ بِالصَّوَانِيحِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرُكُضُ مَعَكَ وَ الْمَلَائِكَةَ تَنْفِرُ عَنْكَ وَ مَنْ بَقِيَ
فِي بَيْتِهِ طُئُبُورٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^۱

توضیح:

۱. روایت صریحاً، حکم لعب با نرد بدون راهنه (من غیرقمار) را مشخص می کند
۲. اما مشکل اینجاست که بازی با این آلات مع المراهنه (قماراً) حکم خوردن گوشت خوک دانسته شده است (که حرمت آن معلوم است) ولی حکم بازی بدون راهنه (من غیرقمار)، عبارت است از دست زدن به گوشت خوک و خون خوک، که این کار حرام نیست و صرفاً امری است که دارای حزازت و پستی عرفی است^۲
۳. به همین جهت و به جهت اینکه امام صادق (ع) در این روایت بین فرض قمار و عدم قمار با نرد (که روشن ترین مصداق آلت قمار است) فرق گذاشته اند، می توان حکم به کراهت (و یا حتی قذارت عرفی) را برای «لعب بلامراهنه با آلات قمار» ثابت دانست و این روایت را از ادله جواز دانست.
۴. روایت اگرچه از مرسلات صدوق است ولی می توان به جهت اینکه صدوق آن را مستقیماً از امام صادق (ع) نقل کرده است، آن را قابل قبول دانست.

ه) در برخی روایات، اشاراتی وجود دارد که ممکن است بتوان از آنها چنین استفاده کرد که نفس حضور در مجالسی که در آنها قمار حاصل است، مکروه است (و لو اینکه فرد، خود قمار نکند). و لذا می توان گفت لعب با آلات قمار بلامراهنه در چنین مجالسی مکروه است. ولی روشن است که این کراهت، مربوط به حضور است و ربطی به «لعب» ندارد.

(یمكن أن يقال: حضور در این مجالس، چون به طور متعارف همراه با لعب بوده است (سواء كان مع المراهنه او بدونه) کراهت این حضور، در امثال مرسله صدوق، مجازاً به لعب بلامراهنه نسبت داده شده است)

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۸، روایت ۵۰۹۳

۲. «سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: الْمُطَّلِعُ فِي الشُّطْرُنِجِ كَالْمُطَّلِعِ فِي النَّارِ.»





یک) «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصْرِيِّينَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَقْعُدُ مَعَ قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشُّطْرَنْجِ وَ لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ فَقَالَ مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَأَ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْ أَهْلِهِ»^۱

دو) «محمد بن علی بن الحسین فی (معانی الاخبار) عن أحمد بن الحسن القطان ، عن أحمد بن يحيى بن زكريا ، عن بكر بن عبدالله بن حبيب ، عن تميم بن بهلول ، عن أبيه ، عبدالله بن الفضيل ، عن أبيه ، عن أبي خالد الكابلي قال: سمعت زين العابدين علی بن الحسین عليه السلام يقول: ... شرب الخمر ، واللعب بالقمار ، وتعاطى ما يضحك الناس من اللغو والمزاح ، وذكر عيوب الناس ، ومجالسة اهل الريب»^۲

توضیح:

«مجالسة اهل ريب» را اگر به معنای همنشینی با کسانی که تردید می افکنند بدانیم روایت تا حدودی از ما نحن فيه اجنبی می شود ولی اگر «اهل ريب» را ناظر به طوائف قبل (ذکر عيوب ناس، تعاطی، قمار، شرب خمر) بدانیم، روشن است که هم گفتن و قمار کردن و خنداندن حرام است و هم مجالست و همراهی با آنها (توجه شود که جز شراب که امکان برگزاری آن بدون مجالست و همنشینی فراهم است، سایر موارد، جز در ضمن جلسه حاصل نمی شود.

و) در یک روایت، حرمت شطرنج، مربوط به فعل یزید دانسته شده بود [روایت ۲۱]، توجه به این نکته هم می تواند لازم باشد که اگر چنین تلقی ای از بازی شطرنج مطرح باشد لعب با شطرنج، حرمت مضاعف خواهد داشت.

ز) چنانکه گفتیم هر حکمی که بر شطرنج و نرد بار شده است به قرینه لفظیه ای که از «مصادقیت برای قمار» حاصل می شود، مربوط به ذات این دو نیست و یا مربوط به آنها همراه با «حیثیت تقییدیه تلبس فعلی به قمار» است و یا لااقل مربوط به آنها همراه با «حیثیت تقییدیه تلبس فعلی به آلیت قمار» است و بسیار بعید (بلکه غیرقابل قبول) است که «قمار» و یا «آلیت قمار» واسطه در ثبوت حکم برای ذات این امور باشد. و در نتیجه هر گاه وسیله ای، از «آلیت قمار» خارج شود، حکم آن نیز منتفی است.

۱. همان، ص ۴۳۷

۲. همان، ص ۲۸۱، روایت ۸